

ایران‌شناسی در غرب

حبیب برجیان

اولریش مارزولف

Ulrich Marzolph,

Narrative Illustration in Persian

Lithographed Books

Leiden: Brill, 2001, 302 pp.

«صورتگری داستانها در کتب چاپ سنگی»

فارسی»

میان رسم دیرین نسخه نویسی و صنعت چاپ امروز که بر فن حروف چینی مبتنی است، فاصله ای پنجاه تا صد ساله است که در طی آن کتب و جراید فارسی از راه چاپ سنگی (لیتوگرافی) فراهم می آمد. چاپ از روی لوح محکوک سابقه ای دیرین در خاور دور دارد ولی نوع سنگی آن که مورد نظر ماست در آخرین سالهای سده هجدهم در اروپا اختراع شد و دو سه دهه بعد به ایران رسید. چاپ سنگی، در عرض چند سال، چاپ با حروف متحرک را (که گوتنبرگ در سده پانزدهم اختراع کرده بود ولی در ایران رواجی نیافته بود) از میدان رقابت بیرون راند، زیرا هم ارزانتر تمام می شد و هم خواننده ایرانی شیوه نستعلیق را بر حروف چاپی نسخ ترجیح می داد.

بنا بر این در صنعت چاپ سنگی نه همان خوشنویسان به حرفه خود ادامه دادند، بلکه صورتگران کتب قدیم نیز میدان تازه ای برای بیان هنر خویش یافتند و بدین سان هر دو صنف هنرمند فعال ماندند. در حقیقت، نقاشیهای مضبوط در کتب چاپ سنگی را بخشی از هنر تصویر پردازی دوره قاجار می توان به شمار آورد.

بیش از نیم قرن پیش، زنده یاد سعید نفیسی اهمیت پژوهش در صنعت چاپ مصور را که در آن زمان رو به زوال بود، گوشزد پژوهندگان کرده بود، اما در دهه های آینده کار درخوری در این زمینه انجام نشد. پژوهش حاضر در زمانی صورت گرفته که از بسیاری از کتب چاپ سنگی حتی نسخه ای در دسترس نیست.

نویسنده «صورتگری داستانها در کتب چاپ سنگی فارسی»، اولریخ مارزلف، استاد مطالعات اسلامی دانشگاه گئورگ آوگوست در گوتینگن آلمان و از محققان نامدار فولکلور ایران است. وی برای فراهم آوردن این کتاب نفیس سالها وقت خود را صرف گردآوری و عکسبرداری از کتب چاپ سنگی کمیابی کرده که در کتابخانه های جهان یا مجموعه های خصوصی پراکنده اند و دستیابی به بسیاری از آنها آسانتر از شناختن و یافتن نسخه های خطی نیست. وی بالغ بر ده هزار تصویر از ۳۵۰ طبع، جمعا از ۱۱۰ کتاب مصور را مطالعه کرده است. از میان این تصاویر آنچه نمونه وار بوده دستچین و در ۱۵۰ صفحه از کتاب حاضر درج کرده است.

آنچه بیشتر مورد اعتنای نویسنده بوده دو دهه نخستین صنعت چاپ مصور در ایران است (۱۸۴۳ تا ۱۸۶۳). نفیس ترین پرده های نقاشی از همین دوره است. در آن زمان شمار خریداران کتاب هنوز اندک بود و کتاب کالایی گرانبها و خاص توانگران تلقی می شده است. با گذشت زمان و به ویژه پس از انقلاب مشروطه که کتابخوانی رواج بی سابقه گرفت، هم کمیت و هم کیفیت تصاویر کتابها رو به کاهش گذاشت چرا که ارزانی بهای کتاب مورد نظر ناشران بود.

در فصل دوم، کتابهای چاپ سنگی از نظر موضوعی بررسی شده است. در زمینه ادبیات کلاسیک، فردوسی از پر خواننده ترین مؤلفان است چه شاهنامه مصور تا سال ۱۹۰۴ پنج بار در ایران و ۲۵ بار در هند به طبع رسیده است. سپس سعدی ست که کلیات مصور او در طی ۱۸۵۱-۱۸۹۲ پانزده بار در ایران چاپ شده است. خمسة مصور نظامی تا ۱۹۳۳ نه بار در ایران و اقلایک بار در هند چاپ شده است. جامع التمثیل محمد علی حبله رودی تا ۱۹۰۳ دست کم به یازده طبع مصور رسیده بود. انوار سهیلی حسین واعظ کاشفی تا ۱۸۸۰ دست کم هفت چاپ مصور داشت. چون اینها بیانگر ذائقه جامعه کتابخوان ایران در سده نوزدهم است، از چند کتاب مصور دیگر که طبع مکرر یافت نام می بریم. دیوان حافظ، کیلیه و دمنه، فرهاد و شیرین بافقی و وصال شیرازی، لیلی و مجنون مکتبی، منتخب مثنوی مولوی (مشهور به مثنوی اطفال)، نان و حلوی شیخ بهائی، رند و زاهد فضولی، یوسف و زلیخای منسوب به فردوسی، و کنزالاشتهاء اسحاق شیرازی، اخلاق محسنی

حسین واعظ کاشفی.

از ادبیات دینی رایج تر از همه نوع روضه خوانی (یا مرثیه یا مقتل) بود که اکثراً از روضه‌الشهدای حسین واعظ کاشفی مایه می گرفت. از آن جمله است حمله‌حیدریه ملا بمونعلی و اسرار الشهاده‌سرباز بروجردی و طوفان البكاء جوهری.

ادبیات عامه موضوع بخش بزرگی از آثار مصور عهد قاجار بود. این آثار یا بازنویسی ادب دیرین فارسی ست به نثری عامه پسند، یا تالیف و ترجمه نویسندگان آن دوره است. از آن جمله است اسکندرنامه و رموز حمزه که کتابهایی قطور و پر طرفدار بود و ترجمه فارسی الف لیده و لیده که در طی ۱۸۵۵-۱۹۰۲ دست کم به هفت چاپ مصور رسید. ذکر چند عنوان مردم پسند از مؤلفان گمنام در این جا بی مناسبت نمی نماید: بهرام و گل اندام، فلنک ناز، فرخ شاه، حیدر بیگ، هرمز و گل، حسین کرد، خاور و باختر، خسرو دیوزاد، نساج و نجار، ناز و نیاز، نوش آفرین، قهرمان قاتل، رستم نامه، سلیم جواهری، شیرویه، ضریب خزاعی، زیبا و رعنا. ادبیات کودکان نیز به چاپ مصور می رسید، مانند شنگول و منگول، خاله سوسکه، خاله قورباغه (که مؤلف، خاله سوسکه و خاله قورباغه ضبط کرده)، و اینها به نظم بود.

فصل سوم، به هنر آفرینان چاپ سنگی اختصاص یافته. با این که بیشتر تصاویر مندرج در کتب بی امضا است و هم این که عده ای از نقاشان چند امضا داشته اند، مؤلف توانسته است زبردست ترین استادان را شناسایی و معرفی کند و در این راه علاوه بر تصاویر که موضوع پژوهش او بوده از منابع دیگر نیز سود جست است. جمعاً ۲۲ نقاش معرفی شده اند و نامهای ۲۴ تن دیگر که کم اثرتر بوده اند در فهرستی مرتب شده است. در این میان میرزا علی قلی خوئی نه تنها بر دیگران فضل تقدم دارد بلکه با داشتن بیش از ۱۲۰۰ لوح تمام و صدها لوح ریز از پرکارترین رسامان زمان خود بوده است. وی در طول ده سال بیش از سی کتاب را تماماً نقاشی کرده، با امضاهای گوناگون: «فراش قبله عالم» در قانون نظام، «بنده درگاه» در کلیات سعدی، «خادم مدرسه دارالفنون» در روضه الصفا و «نقاش» در چند کتاب دیگر. میرزا علی قلی استادی بود چیره دست و صاحب سبک. نویسنده کتاب در باب هر جنبه از هنر وی، با ارجاع به تصاویر مربوط، توضیح کافی می دهد. مثلاً چند پرده ناظر بر انگشت تحیر به دندان گرفتن را در صفحه ۱۲۰ گرد آورده تا شناساننده سبک نقاشی باشد. و با شناختن سبک نقاشی، مارزلف گمان می برد که صاحب چندین پرده از آثار بی امضا کسی جز میرزا علی قلی نمی تواند باشد. مثال آن تصاویر روزنامه وقایع اتفاقیه و از جمله تمثال شیر و خورشیدی ست که بر تارک نخستین صفحه از هر شماره آن نقش بود

و برای هر شماره از نو باید کشیده می شد. با این همه، اوج هنر میرزا پرده هایی ست که برای خمسة نظامی چاپ ۱۸۴۷ کشیده است. این پرده ها و هم نقاشیهای میرزا حسن در رموز حمزه (۵۹-۱۸۵۷) و بهرام کرمانشاهی در تحفة الذاکرين در ردیف شاهکارهای این هنر جای می گیرند.

در فصل چهارم ویژگیهای تصاویر چاپ سنگی بررسی شده است. از مسائلی که مورد بحث قرار گرفته تأثیر فنون چاپ بر کیفیت تصاویر است. فرسایش یا آسیب دیدن لوح چاپی در حین چاپ باعث تفاوت نسخه های یک طبع واحد می شد. از این گذشته برای هر طبع جدید می بایست لوح تازه ای فراهم آید و نقاشی تجدید شود. نیز به علت فرسایش تدریجی سنگ چاپ عدد نسخه های هر طبع از سیصد تا چهارصد فراتر نمی رفت.

مطلب دیگر سانسوری ست که از سوی ناشران بر تصاویر الفیه و شلفیه اعمال می شد. از جامع التمثیل و عجائب المخلوقات و خسرو دیوزاد تصاویری برای نمونه چاپ شده که نشان می دهد چگونه، در چاپ نخست هریک از این کتب، قلم رسام صحنه ها را بی پرده و رک و راست به تصویر کشیده ولی در چاپهای بعدی آثار جرم را محو کرده اند یا از نو پرده ای کشیده اند. این کیفیت نیز دال بر آن است که با گذشت زمان کتاب از حریم محافل خاص بیرون می آمده و جنبه عمومی ترمی گرفته است.

کتاب با دقت و وسواسی فراهم آمده که در آثار نامی ترین فضلالی آلمانی دو قرن اخیر، در رشته های دیگر ایران شناسی، می توان سراغ کرد. فصول و فهارس کتاب انضباطی ستایش انگیز دارد و به گونه ای تنظیم شده که راه را برای پیگیری مطالعات در این رشته هموار سازد. در حقیقت هم نویسنده به جنبه پژوهشی کار خود نظر داشته و کتاب را برای محققان نوشته است. با این حال مطالعه کتاب برای همگان شوق انگیز تواند بود. نثری آراسته و بیانی رسا دارد. صدها پرده نقاشی مندرج در آن نمونه هایی گویا از فرهنگ و هنر تصویر پردازی چند نسل ایرانیان را با کلیه جزئیات یکجا در اختیار خواننده می نهد و سیر تحول این هنر را در یک دوره مهم دگرگونی فرهنگ ایرانی به نمایش می گذارد.

کرسی مطالعات ایرانی، دانشگاه دولتی ایروان



تخت میرزا علیقلی خونی
 ۱۱۱۹۱۱ - ۱۱۱۹۱۱
 اختیاری بر روی

پرده ۱۲۷ - مجلس عروسی فاطمه زهرا، از میرزا علیقلی خونی. از طوفان البکاء میرزا ابراهیم جوهری

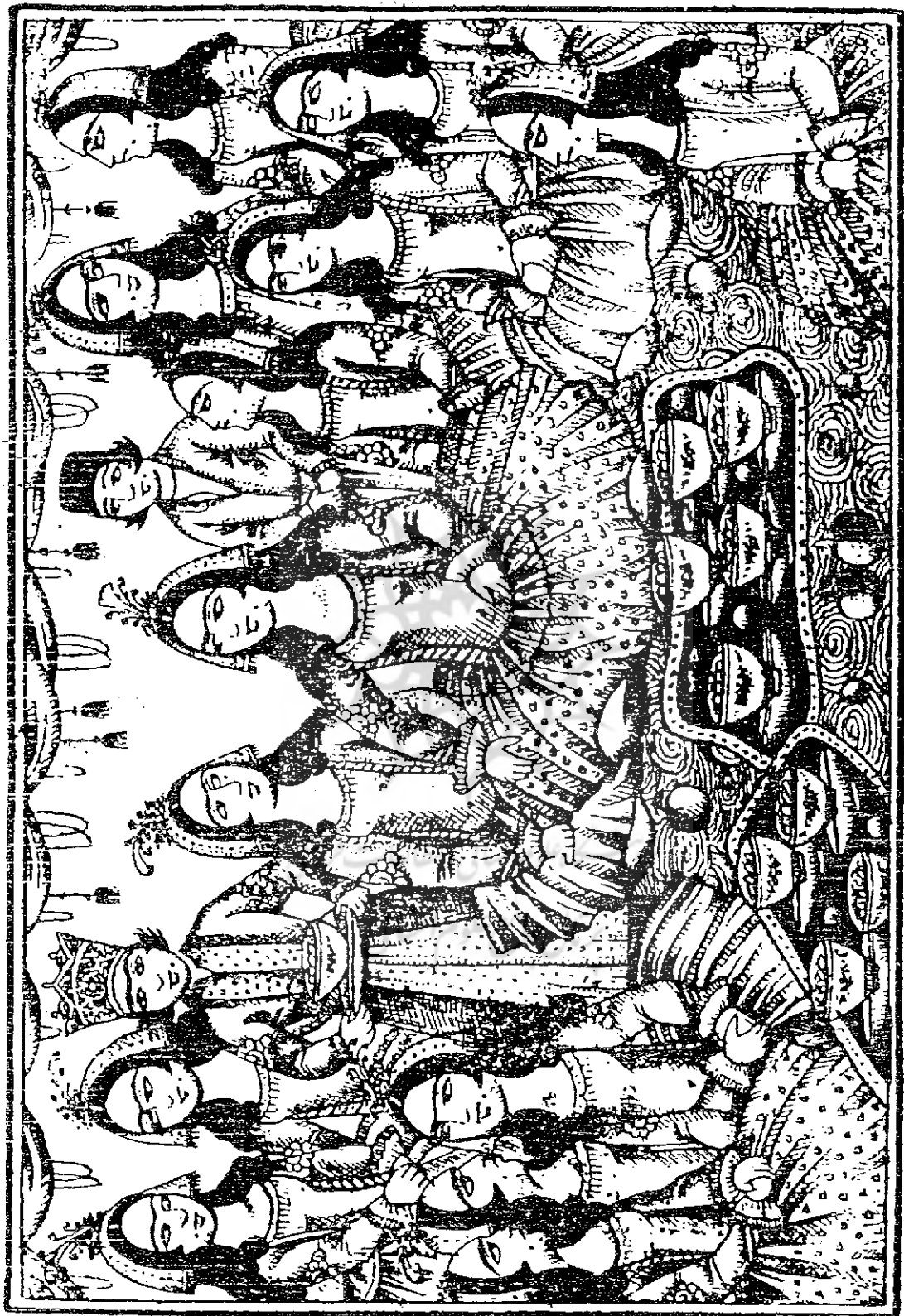
(۱۲۵۰ هجری). چاپ سنگی ۱۲۷۱ (۱۸۵۴ م.)



پرده ۷۹ - عمل میرزا نصرالله. از ترجمه فارسی الف لیله و لیله. چاپ سنگی ۱۳۰۷ (۱۸۸۹ م.).

لوح بالا: بیرزن با دو کنیزش در دکان تاج الملوک (از قصه شب صد و سی و یکم).

لوح پایین: هارون الرشید در مجلس بزم (از قصه شب هفتصد و چهل و چهارم)



برده ۳۴ - از نقاشی ناشناس، از یوسف و زلیخای منسوب به فردوسی، چاپ سنگی ۱۳۱۶-۱۳۱۷ (۱۸۹۸-۱۸۹۹ م.)



برده ۱۱۴ - رستم در بارگاه سلیمان، از نقاشی ناشناس. از انوار سپیلی ملاحسین واعظ کاشفی

(متوفای ۹۱۰ هجری). چاپ سنگی ۱۲۶۳ (۱۸۴۶ م.)